

توحید و سبک زندگی

درس سوم

قسمت اول: کلیات

الف) هدف‌ها

- ۱ هدف کلی: آشنایی با توحید عملی به عنوان ثمره و میوه توحید
- ۲ هدف‌های آموزشی
 - تبیین توحید عملی
 - تبیین تفاوت انسان موحد و انسان مشرک از حیث توحید و شرک عملی
 - تبیین دو بعد فردی و اجتماعی توحید عملی
 - تبیین موقعیت کنونی توحید و شرک در دنیای جدید

ب) ارتباط با درس قبل

این درس، نتیجه درس گذشته است. در آن درس دانش‌آموزان درمی‌یابند که خداوند تنها آفریننده، مالک، صاحب اختیار و پروردگار جهان است و حاکمیت مطلق بر هستی دارد. دانش‌آموز با شناختی که در درس گذشته به دست آورده، در این درس یک نتیجه عملی و کاربردی می‌گیرد و آن نتیجه این است که انسانی که خداوند را به عنوان تنها خالق جهان پذیرفته و ایمان دارد او پروردگار هستی است، رفتاری متناسب با این اعتقاد خواهد داشت و زندگی توحیدی برای خود تنظیم می‌کند.

محورهای اصلی درس

- ۱ نتیجه شناخت توحید در خالقیت، مالکیت، ولایت و ربوبیت توحید عملی و بندگی برای خداست.

۲ توحید عملی به معنای یگانه شدن انسان برای خداست. به عبارت دیگر توحید عملی یعنی انحصار بندگی و اطاعت خدا و جهت زندگی را خدایی کردن.

۳ توحید عملی تنها در بُعد فردی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه جامعه اسلامی هم باید جلوه‌گاه توحید عملی باشد.

۴ تجلی اجتماعی توحید عملی به معنای یگانه و یکپارچه شدن نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه‌جانبه از اوست.

۵ تمدن جدید از توحید عملی غافل و تهی است و مبارزه میان توحید و شرک در دنیای امروز در عرصه توحید و شرک عبادی در جریان است.

۶ امروزه بت‌های جدیدی در عرصه فرهنگ، هنر، سیاست، اقتصاد و ورزش ساخته شده‌اند که جایگزین بت‌های دست‌ساز بشر قدیم گردیده و موجب غفلت از خدا و معنویت گشته‌اند.

قسمت دوم : سازماندهی فعالیت‌های یاددهی — یادگیری

الف) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

این درس، پس از دو درس قبل، مربوط به رفتار انسان و عمل اوست. بنابراین خوب است زمینه‌هایی برای تأثیرگذاری عملی فراهم شود.

مقدمه درس و سؤال‌های طرح شده در آن می‌تواند برای ورود به بحث استفاده شود. به این سؤالات می‌توان سؤال‌های دیگری نیز اضافه کرد؛ مانند اینکه: آیا پذیرش خدای یگانه تأثیر خاصی در زندگی ما دارد؟ اگر چنین است، پس چرا برخی از کسانی که خدا را قبول دارند وظیفه خاصی در قبال او احساس نمی‌کنند؟ اگر پذیرش توحید به زندگی رنگ و بوی خاصی می‌دهد، آن رنگ و بو کدام است؟

همچنین می‌توان از شعر حافظ که در ابتدای درس آمده، برای زمینه‌سازی و ورود به درس استفاده کرد و درباره مقصود حافظ و معنای بیت، نظر دانش‌آموز را جویا شد.

روش دیگر، ذکر بندگی و عبادت‌های رسول خدا و ائمه اطهار علیهم‌السلام است که میزان اطاعت آنها را در مقابل خداوند نشان می‌دهد؛ و سپس این سؤال مطرح شود که این درجه از بندگی ناشی از چیست؟ چرا حضرت علی علیه‌السلام فرمودند که من خدا را عبادت می‌کنم چون او را شایسته عبادت می‌یابم؟ همچنین جلوه‌هایی از زندگی امام خمینی ره مانند استواری، قاطعیت، توکل و شجاعت ایشان می‌تواند زمینه‌ساز این پرسش باشد که این ویژگی‌ها از چه اندیشه‌ای نشئت می‌گیرند؟

ب) مراحل تدریس

برای تدریس این درس، مراحل زیر پیش‌بینی شده است :

ردیف	مراحل تدریس
۱	قرائت صحیح آیات ابتدای درس
۲	تبیین ورودیه
۳	تبیین بازتاب توحید در زندگی
۴	انجام فعالیت «تدرّ در قرآن (۱)»
۵	تبیین بعد فردی توحید عملی
۶	انجام فعالیت خودارزیابی
۷	انجام فعالیت «تدرّ در قرآن (۲)»
۸	تبیین بعد اجتماعی توحید عملی
۹	ارتباط دوسویه توحید فردی و اجتماعی
۱۰	تبیین مسئله توحید و شرک در جهان امروز
۱۱	انجام فعالیت «تحلیل و بررسی»
۱۲	انجام فعالیت «اندیشه و تحقیق»

۱ قرائت صحیح آیات توسط دانش‌آموزان

ابتدا، دانش‌آموزان آیات ابتدای درس را به مدت ده دقیقه قرائت می‌کنند.

۲ تبیین ورودیه

در ورودیه درس متنی نگاشته شده است تا مخاطبان را متوجه مسئله مهمی نماید. آن مسئله این است که وقتی انسان برای انتخاب مسائل جزئی زندگی خود ساعت‌ها و گاه روزها وقت می‌گذارد، چرا برای گزینش و انتخاب مهم‌ترین مسئله زندگی این گونه بی‌مبالاتی می‌کند. مثلاً ما برای خرید کفش به سراغ کفش‌فروشی‌های متعدد می‌رویم تا کفشی را انتخاب کنیم که متناسب با فکر و سلیقه ما باشد. حتی بعد از خرید کفش، وقتی به خانه می‌رویم، آن را مجدد امتحان می‌کنیم تا اگر کوچک‌ترین اشکالی در آن یافتیم، آن را تعویض نماییم.

حال آیا انتخاب سبک زندگی که سرنوشت دنیا و آخرت ما را مشخص می‌کند، به اندازه خرید یک کفش ارزش ندارد؟ پس چرا در بازار سبک زندگی، که انواع و اقسام مدل‌های زیستن پیشنهاد می‌شود، با احتیاط و بررسی و تفکر، دست به انتخاب نمی‌زنیم؟ چرا سرمایه عمر را که قرار است در مسیر زندگی خود به پایشان بریم، این‌گونه به راحتی در اختیار سبک‌های زندگی پوچ و بی‌سرانجام می‌گذاریم؟

بیان این تذکرات از سوی شما دبیران باعث می‌شود، دانش‌آموزان تا حدودی با اهمیت انتخاب سبک زندگی آشنا شوند و حداقل به این نتیجه برسند که باید برای انتخاب سبک زندگی وقت بگذارند و با دقت و تفکر آن را انتخاب کنند.

۳ تبیین «بازتاب توحید در زندگی»

این بخش و قسمت قبلی با عنوان «یادآوری» به دنبال بیان تأثیر افکار و اعتقادات افراد در نوع عملکرد آنهاست. هرکس هر نوع باور و اندیشه‌ای داشته باشد، زندگی خود را براساس همین باور تنظیم می‌کند. البته هرچقدر این باور و اعتقاد قوی‌تر باشد، اثرات بیشتری در زندگی فرد می‌گذارد، یعنی درجه و میزان ایمان افراد به مسئله توحید، در میزان زندگی توحیدی آنان مؤثر است. کتاب در اینجا معیاری ارائه می‌دهد تا هر فرد بتواند در مورد خود قضاوت کند که تا چه اندازه موحد واقعی است و به خدا باور دارد. هرچه زندگی ما بیشتر رنگ و بوی توحیدی داشته باشد، نشان از قوت این باور در وجود ماست. برای تبیین بهتر این بخش، سخنان جعفرین ابی طالب، در سرزمین حبشه بیان شده است تا نشان دهد که چگونه توحید و اعتقاد به آن، زندگی فرد را تحت الشعاع خود قرار می‌داد و فرد را وارد دنیای جدیدی می‌کرد.

۴ انجام فعالیت «تدبیر در قرآن (۱)»

۱- چرا تنها خداوند را باید عبادت کرد؟ چون فقط خداوند پروردگار (رب) هستی است، پس باید تنها او را عبادت و پرستش کرد و از پرستش غیر او خودداری نمود.

(توجه شود که حرف فاء در کلمه فاعبدوه، فاء نتیجه هست. لذا اعبدوا نتیجه انّ الله ربّی و ربّکم هست. یعنی کسی که خدا را به عنوان رب قبول دارد پس باید او را عبادت کند. یعنی نتیجه این اعتقاد، پرستش خداست. آیت الله جوادی آملی در این باره می‌فرماید: «اگر جز خدا ربّی در عالم نیست، جز او معبودی نیز وجود ندارد؛ زیرا اگر منشأ عبادت، هراس از ضرر و ترک تدبیر و انعام، یا طمع و شوق دریافت عطا باشد، تنها نسبت به پرورنده و مبدأ تدبیر رواست، اگر چنانچه منشأ آن، شوق دیدار معبود باشد، باز هم درباره معبود و مبدأ کمال صادق است.»^۱

۲- چرا خداوند بندگی خود را، راه راست و درست زندگی بیان کرده است؟

تنها خدا رب و پروردگار هستی است و همه چیز تحت قدرت اوست و بندگی هرچه غیر از خدا، در

حقیقت بندگی چیزهایی است که هیچ نقش و قدرتی در این عالم ندارند و اگر کسی در این مسیر گام بردارد و زندگی خود را با اتکا به غیر خدا پیش برد، در راهی پرخطر گام گذاشته که سرانجامی جز سقوط ندارد.

۵ تبیین بُعد فردی توحید عملی

حقیقت توحید عملی در بُعد فردی با بیان ساده عبارت است از اینکه انسان، عبادت‌ها و کارهای خود را برای رضای خدا و اطاعت از او انجام دهد و در برنامه‌های زندگی، به کس دیگری جز او توجهی نداشته باشد و به زندگی خود رنگ الهی بخشد.

استاد مطهری این حقیقت را به گونه‌ای عمیق‌تر مطرح می‌کند و توحید عملی را در شخصیت و شاکله آدمی وارد می‌کند و با عبارت «یگانه شدن برای خدا» از آن یاد می‌کند. ایشان می‌گویند: توحید عملی به معنای «یگانه شدن انسان برای خدا» و «توحید در شخصیت» است.^۱

در این قسمت، دبیر محترم توضیح می‌دهد که چگونه توحید عملی سبب «وحدت شخصیت» انسان می‌شود و او را در جهت الهی یگانه می‌کند.

توضیح: انسان در بردارنده گرایش‌های متفاوت، غرایز و قوای گوناگون، خواست‌ها و تمایلات مختلف است که در حالت عادی، هر یک از اینها اراده انسان را به سوی خود می‌کشند. این کشش‌ها و کوشش‌های متفاوت، وحدت و انسجام شخصیتی را از فرد می‌گیرند و وجودش را متفرق و درهم ریخته می‌سازند؛ به طوری که فرد پس از مدتی می‌بیند که به جایی نرسیده و به کمالی دست نیافته و وجود معنوی او از هم گسسته و متلاشی شده است.

توحید عملی سبب می‌شود که همه این گرایش‌ها، غرایز و قوای درونی یک جهت پیدا کنند و در خدمت یک هدف قرار بگیرند و هر کدام در جای مناسب خود و به میزان معتدل، مؤثر واقع شوند و آدمی در درون خود احساس آرامش و هدف‌داری کند و با اعتماد به نفس، حرکت تکاملی خود را پیش برد، استعدادهايش شکوفا شود و با خودشکوفایی و خلاقیت و بالندگی، قله‌ها را فتح کند.

۶ انجام فعالیت «خودارزیایی»

در این فعالیت دانش‌آموز در یک تفکر فردی بایستی به بررسی رفتارهای خود بپردازد و ببیند تا چه حد زندگی شخصی وی رنگ و بوی توحیدی دارد.

در انتخاب دوست ملاکش خداست یا مسائل دیگر؟

در انتخاب پوشش تا چه حد دستورات الهی برای وی مهم است؟

در انتخاب الگوهای زندگی چگونه؟

رفتارش با دیگران تا چه اندازه براساس معیارهای یک انسان موحد است؟

آیا بدن خود را امانتی الهی می‌داند؟

آیا خود را در قبال سایر موجودات مسئول می‌شمارد؟

۷ انجام فعالیت تدبیر در قرآن (۲)

نکته: علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید عبادت و بندگی این گونه افراد در صورتی است که پرستش خدا خیر دنیا برایشان داشته باشد و معلوم است که لازمه این طور پرستش این است که دین را برای دنیا استخدام کنند؛ اگر سودی مادی داشت پرستش خدا را استمرار می‌دهند و بدان دل می‌بندند اما اگر دچار فتنه و امتحان شوند از دین روی برمی‌گردانند.

همچنین این فرمایش امام حسین علیه السلام که می‌فرماید: **النَّاسُ عَبِيدُ الدُّنْيَا، وَ الدِّينُ لِعَقِّ عَلَيِّ السِّتِيهِمْ، يَحُوطُونَ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ، فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّابُّونَ.**^۱ می‌تواند ما را در تبیین مفهوم «و من الناس يعبد الله على حرف» توانمندتر کند. با توجه به این نکته پاسخ تفصیلی سؤالات به شرح ذیل خواهد بود:

۱- پرستشی که از روی ایمان باشد با پرستشی که از روی تردید باشد، چه تفاوتی دارد؟

پرستشی که از روی ایمان باشد، پرستشی ثابت و پایدار است؛ یعنی فرد در هر شرایطی چه در خوشی و چه در راحتی، چه در تنگنا و چه در آسایش، دست از پرستش خداوند برنمی‌دارد. اما پرستشی که از روی تردید باشد مقطعی و سطحی است و حوادث تلخ و شیرین آن را تغییر می‌دهد. یعنی وقتی خبری به فرد می‌رسد خدا را عبادت و بندگی می‌کند و هنگامی که سختی و شری به وی می‌رسد، از خدا رویگردان می‌شود.

۲- چرا برخی انسان‌ها، در برابر هر خیر و شری که به آنها می‌رسد، دو روش متفاوت پیش می‌گیرند؟

این به ایمان انسان برمی‌گردد. کسی که خدا را با جان و دل نپذیرفته و ایمان به خدا در متن زندگی‌اش قرار نداشته باشد، بسته به شرایط خدا را می‌پرستد. این افراد همانند کسانی هستند که در لبه جایی قرار گرفته‌اند که آنجا نیز مستقر و پابرجا نیست و با تکان مختصری از مسیر خارج می‌شود.

اما انسان مؤمن چون دل به خدا سپرده و تابع فرمان‌های اوست، در هر شرایطی دست از پرستش خداوند برنمی‌دارد، زیرا می‌داند این جهان تحت تدبیر خداوندی حکیم است و هیچ حادثه‌ای در جهان بی حکمت نیست.

۸ تبیین بُعد اجتماعی توحید عملی

همان‌طور که در این درس می‌بینید، توحید عملی تنها یک امر فردی نیست، بلکه بُعد اجتماعی هم دارد. طرح توحید در این دو بُعد، اقتباس از آثار استاد شهید مطهری است. ایشان با طرح این دیدگاه ابتکاری، توحید در عبادت (توحید عملی) را از یک موضوع فردی و رابطه شخصی انسان با خدا فراتر برده و بیان

می‌کند که جامعه اسلامی نیز باید صحنه تحقق توحید عملی شود و جهت الهی بگیرد.

اگر تجلی توحید عملی در فرد به صورت تحصیل معرفت‌الله است، تجلی توحید عملی در جامعه نیز تحقق عدالت و قسط می‌باشد و به همین جهت انبیا دو هدف داشته‌اند: یکی اینکه انسان‌ها را به ایمان به خدا و معرفت‌الله دعوت کنند، دیگر اینکه جامعه را به سوی قسط و عدالت هدایت نمایند. هدف اول که هدف اصلی و برتر است، در آیات ۴۵ و ۴۶ سوره احزاب مشخص شده است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا
وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ
وَ سِرَاجًا مُنِيرًا

هدف دوم که هدف مقدمه‌ای است، در آیه ۲۵ سوره حدید طرح گردیده است:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ
وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ
لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ ...

در حقیقت، جامعه مانند وجود فردی، از نهادها، افراد و گروه‌های متفاوت و خواست‌ها و گرایش‌های متنوع تشکیل شده که اگر هر کدام از اینها بخواهند جامعه را به سوی امیال خود سوق دهند و فعالیت اجتماعی را در جهت مطامع خود سامان بخشند، وحدت و تعادل اجتماعی به هم خورده و گسیختگی اجتماعی پدید خواهد آمد. توحید اجتماعی بدان معناست که گروه‌ها، نهادها و گرایش‌های متنوع جامعه سمت و سوی واحد پیدا کنند و در جهت رضایت خداوند و اطاعت از او سامان یابند و همان‌طور که خداوند خواسته است، بر تمام ارکان جامعه، مساوات و عدالت حاکم باشد.

۹ ارتباط دوسویه توحید فردی و اجتماعی

این قسمت به دنبال بیان نکته مهمی به مخاطبان است و آن اینکه امکان ندارد که یک فرد بتواند به‌طور کامل زندگی فردی خود را توحیدی کند، مگر اینکه جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نیز توحیدی باشد. یعنی میان توحید فردی و اجتماعی ارتباط دو سویه است. تا افراد جامعه در مسیر توحید گام برندارند، جامعه توحیدی نخواهد شد و اگر جامعه و ارکان اجتماعی آن توحیدی نباشند، زمینه برای توحید فردی نیز به‌طور کامل فراهم نخواهد بود. این نکته در پاسخ به افکار غلطی که از سوی برخی گروه‌های مذهبی ترویج می‌شود، بیان شده است. توضیح اینکه، برخی از افراد مذهبی گمان می‌کنند که برای دستیابی به زندگی توحیدی، نیاز به تشکیل حکومت دینی نیست و در هر جامعه‌ای می‌توان یک موحد کامل بود. این افراد با این نگاه و اندیشه، هیچ دغدغه‌ای برای تشکیل حکومت دینی و به تبع آن اصلاح ساختار جامعه ندارند و دین را در یک سری مسائل شخصی خلاصه می‌کنند. در این بخش توضیح داده شده که تا جامعه و نهادهای

اجتماعی آن در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، هنری و... توحیدی نشوند، قطعاً حرکت در مسیر توحید سخت خواهد بود. توضیح بیشتر این مطلب در پاسخ به سؤال اندیشه و تحقیق بیان شده است.

۱۰ تبیین مسئله توحید و شرک در جهان امروز

یکی از مسائل مهم، بررسی موضوع شرک و کفر در جهان امروز و رویارویی آن با توحید است. گرچه بیشتر انسان‌ها امروزه خداوند را انکار نمی‌کنند و می‌پذیرند که این جهان را خدا آفریده است، اما در ساختار تمدن جدید و در زندگی انسان‌ها، خداوند حضور ندارد و از صحنه فعال زندگی غایب است.

مسئله «غفلت» که امروزه توسط منتقدین جدید مطرح می‌شود و بسیاری از متفکرین غربی نیز بر آن تأکید می‌ورزند، با انکار خداوند متفاوت است؛ ممکن است موضوعی انکار نشود، اما آن چنان بی‌اهمیت شود که دیگر تأثیری در زندگی نداشته باشد و نقشی ایفا نکند.

به عبارت دیگر، امروزه توجه انسان‌ها به اموری جلب شده و آن امور برای آنها اهمیت یافته که سبب بی‌توجهی و غفلت از خداوند شده است. امروزه انسان‌ها به پرستش بت‌های جدیدی مشغول شده‌اند که مانع از پرستش خدای یگانه شده است و حتی خداوند را هم برای همین بت‌های جدید می‌خواهند.

دانش‌آموزان را به این نکته توجه دهیم که منظور از بت‌های جدید، آن اموری هستند که جای خدا را در قلب‌ها گرفته‌اند و هیجان‌ها و تلاش‌ها و حب و بغض‌های افراد را جهت می‌دهند. این بت‌ها، می‌توانند بازیگران سینما، فوتبالیست‌های مشهور، گروه‌های مجازی، ماهواره‌ها، مدها و سلیقه‌هایی باشند که هر روز وارد زندگی برخی افراد می‌شوند و آنان را به خود معطوف و مشغول می‌کنند، به گونه‌ای که فرد سبک زندگی خود را براساس آنان تنظیم می‌کند.

در بُعد اجتماعی و سیاسی نیز نظام کنونی حاکم بر جهان، یک نظام طاغوتی است که مانع حاکمیت دین در روابط اجتماعی شده است. مردم جهان ناگزیرند تحت سلطه چند قدرت بزرگ سیاسی جهان، که آنها خود کارگزار طبقه سرمایه‌دار و ثروتمند جهان هستند، زندگی کنند، امر و نهی آنها را بپذیرند و عملاً نتوان از ابراز اراده خود باشند.

تذکر: در اینجا ممکن است دانش‌آموزان این مسئله را طرح کنند که وقتی ما به داخل کشورهای غربی نگاه می‌کنیم و روابط بین خودشان را در نظر می‌گیریم، می‌بینیم برای خودشان روابط خوبی ایجاد کرده‌اند و از این جهت از دیگران جلوترند؛ رفاه، نظم، پیشرفت علمی و تسهیلات فراوان زندگی از مصداق‌های این روابط خوب است.

در توضیح این مسئله باید به نکات زیر توجه داشت:

۱- رفاه و آسایش در کشورهای غربی به میزان بسیار بالایی ناشی از رابطه غیرعادلانه در جهان و استثمار و استعمار ملت‌هاست. اگر روابط عادلانه‌ای در سطح جهان برقرار شود و منابع و ثروت کشورهای

جهان با این قیمت ناچیز به دنیای غرب سرازیر نشود، شرایط کنونی در غرب به کلی دگرگون می‌شود. به بیان دیگر، کشورهای غربی، در مقیاس جهانی، شبیه به خانواده‌ای کوچک هستند که ثروت دیگر خانواده‌ها را می‌بلعند و میان خود توزیع می‌کنند.

۲- بسیاری از معضلات و مشکلات کشورهای غربی، از طریق قدرت سیاسی و اقتصادی به بیرون از خودشان منتقل می‌شود و گریبان جوامع ضعیف را می‌گیرد. بیماری ایدز در آمریکا پدید می‌آید ولی اکنون در کشورهای آفریقایی و آسیایی پیداد می‌کند. مواد مخدر که در کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین کشت می‌شود، عموماً برای حمل به کشورهای اروپایی است و سرمایه‌داران بزرگ غربی در پشت پرده سود آن را می‌برند، اما اعتیاد و بدبختی آن برای کشورهای آسیایی و آفریقایی است. تجارت سگس و ربودن دختران بی‌گناه از کشورهای محروم آسیایی و آفریقایی به سوی کشورهای غربی انجام می‌گیرد. اسلحه‌های مخرب شیمیایی و غیرشیمیایی توسط همین کشورهای غربی تولید می‌شود و با جنگ‌هایی که در کشورهای ضعیف راه می‌اندازند، ثروت‌های کلان به دست می‌آورند.

باید برای دانش‌آموزان این سؤال را طرح کنیم که آیا این رفاه و آسایش مادی که به بهای فقر و نابسامانی میلیاردها انسان فراهم آمده، زیاست؟ آیا در زیر این چهره به ظاهر زیبای زندگی غربی، هزاران بدبختی و نابسامانی مخفی نشده است؟

۳- ما وقتی از تمدن سخن می‌گوییم، مقصودمان یک کشور و سرزمین خاص نیست. تمدن یک امر جهانی است که سبب روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و هنری خاص در جهان شده و نوع زندگی خاصی را در جهان رقم زده است و همه کشورهای جهان، کم یا زیاد، تحت تأثیر آن هستند. ما در بررسی خود می‌خواهیم ببینیم این تمدن کنونی و این شیوه زندگی چه آثار و ثمراتی برای بشریت داشته است و چه مشکلاتی برای وی به بار آورده است. آیا این تمدن، احساسی از خوشبختی و رضایت درونی را برای مردم جهان، دست‌کم برای انسان‌های غربی، به ارمغان آورده است یا آن را از گذشته ضعیف‌تر کرده است؟

۴- در برخورد با غرب و شناخت غرب، گاهی به لایه‌های رویی و سطحی آن توجه کرده‌ایم، این لایه‌های سطحی و ظاهری مانع مشاهده لایه‌های زیرین و باطنی آن می‌شود. آری در نگاه اولیه روینایی به غرب، ما شاهد نظم، رعایت حقوق، احترام متقابل، رفاه و آسایش هستیم، اما در نگاهی عمیق‌تر و با عبور از این لایه ظاهری درخواهیم یافت که جامعه غربی با مشکلات بی‌پایان دست به گریبان است.

برای مثال، اگر احترام متقابل و رعایت حقوق دیگران به عنوان یک ارزش و یک اخلاق در درون جامعه غربی نهادینه شده است، چرا سیاستمداران آن کشور، پیش‌یا افتاده‌ترین حقوق ملت‌های محروم را رعایت نمی‌کنند؟ معلوم می‌شود که این رعایت حقوق به عنوان یک ارزش اصلی و مقدس تلقی نمی‌شود و تا آنجا محترم است که مانع منافع نباشد. در واقع، تمدن غرب بر فردیت و منافع فردی استوار است و همه موازین

از آن جهت رعایت می‌شوند که به حفظ منافع فرد منجر شود. این قاعده کلی نظام غربی است که «اگر می‌خواهی دیگران معترض منافع تو نشوند، منافع آنان را مراعات کن و نادیده نگیر».

وقتی می‌گوییم نظام سرمایه‌داری غرب (که آمریکا هم شامل آن می‌شود) مشکلات خود را به جهان سوم منتقل می‌کند، مربوط به شناخت همان لایه‌های زیرین است. برای نمونه، ثروت اصلی کشور آمریکا از طریق فروش اسلحه‌های استراتژیک است. اگر آمریکا نتواند اسلحه بفروشد، سطح زندگی مردم به شدت تنزل پیدا می‌کند، قدرت خرید کاهش می‌یابد و موج اعتراضات کشور را فرا می‌گیرد. اسلحه نیز وقتی به فروش می‌رسد که در جهان، روابط خصمانه حاکم باشد و کشورها احساس کنند که از ناحیه دیگران تهدید می‌شوند و باید برای این تهدیدات خود را آماده نمایند. به همین جهت سازمان‌های سیاسی جاسوسی آمریکا دست به کار می‌شوند و با شیوه‌های مختلف روابط تهدیدآمیز میان کشورها را رقم می‌زنند و اسلحه‌های خود را به فروش می‌رسانند.

با توجه به این نکات، برای پاسخ دادن به چنین مسئله‌هایی لازم است که دبیر محترم، اطلاعات کافی درباره تمدن جدید و لایه‌های زیرین زندگی غربی به دست آورد تا بتواند دانش‌آموزان را متوجه حقیقت نماید.

البته ما نباید دستاوردهای مثبت تمدن جدید و کاستی‌ها و تنبلی‌های کشورهای جهان سوم و نیز ملل اسلامی را که در چند قرن اخیر اتفاق افتاده است، نادیده بگیریم. اما برخی افراد با بزرگ کردن این کاستی‌ها روحیه ملت خود، بخصوص جوانان را تضعیف می‌کنند و زمینه شکوفایی و استقلال را از بین می‌برند، که کاری خطا است.

۱۱ انجام فعالیت تحلیل و بررسی

این فعالیت درباره مطالبی است که در متن درس طرح شده و از دانش‌آموزان خواسته شده که درباره آن اندیشه کنند. پاسخ این سؤال‌ها ممکن است یکسان نباشد و هر دانش‌آموزی متناسب توانایی خود پاسخی دهد.

دبیر محترم در هنگام پاسخ دانش‌آموزان، نظرات آنها را اصلاح می‌کند و راهنمایی‌های لازم را ارائه می‌دهد و از گفتن پاسخ‌ها به گونه‌ای که دانش‌آموزان آن پاسخ‌ها را بنویسند، خودداری می‌نماید.

سؤال‌های طرح شده به گونه‌ای است که دانش‌آموز را به تأمل وادار می‌کند تا خودشان به این حقیقت پی‌برند که چه بت‌های جدیدی در زندگی امروز انسان‌ها وجود دارد که زمینه را برای توجه به خدا کم کرده یا از بین برده است.

تذکر: انجام این قبیل فعالیت‌ها که بیشتر جنبه عملی دارد و تأثیری هم در امتحانات کتبی ندارد، به روش دبیر و اهمیت دادن وی وابسته است. اگر ما به تأثیرات عملی درس اهمیت می‌دهیم و می‌خواهیم دانش‌آموزان را قدمی هرچند کوچک در رفتار دینی به پیش ببریم، باید این فعالیت‌ها را در فضایی کاملاً جدی به اجرا درآوریم. این تصور که فقط بخش‌هایی از درس اهمیت دارد که در امتحان کتبی و آزمون

سراسری مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد، ریشه در این دیدگاه دارد که درس دینی ابزاری برای نمره گرفتن است. اما دیری که می‌خواهد روی دانش‌آموزان خود اثر تربیتی بگذارد، باید متن و محتوای آموزشی را در خدمت نتایج عملی و کاربردی قرار دهد و دانش‌آموزان را در این زمینه‌ها فعال کند.

۱۲ انجام فعالیت اندیشه و تحقیق

آیا می‌توان تنها به جنبه فردی توحید عملی معتقد بود ولی جنبه اجتماعی آن را قبول نداشت؟ خیر - زیرا میان بُعد فردی و بُعد اجتماعی توحید رابطه دو سویه وجود دارد. هر قدر که مردم یک جامعه به سوی توحید حرکت کنند، ارکان جامعه نیز بیشتر رنگ توحیدی به خود می‌گیرد؛ همان‌طور که هر قدر نهادهای اجتماعی در خدمت اجرای قوانین الهی باشند، زمینه برای رشد انسان‌ها و حرکت به سوی خداوند و بندگی موحدانه آسان‌تر می‌گردد.

بنابراین اگر نهادها و ارکان یک جامعه مانند ارکان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... توحیدی نباشد و جامعه براساس طاغوت اداره شود، بستر لازم برای حرکت انسان‌ها در مسیر توحید به سختی صورت خواهد گرفت. به عنوان مثال اگر اقتصاد یک جامعه براساس معاملات غیرشرعی و ربوی صورت گیرد، خواه‌ناخواه مال حرام وارد زندگی انسان‌ها می‌شود و آنها را از حرکت در مسیر توحید باز می‌دارد و یا اگر سیاست و حکومت یک جامعه طاغوت‌محور باشد، حاکمان آن جامعه مردم را به سوی گمراهی سوق می‌دهند. به این صورت که حکومت طاغوت، که جهان را به همین عالم ماده محصور می‌کند و قائل به ربوبیت خدا نیست، سعی می‌کند تا حقیقت انسان را به سطح همین بدن مادی فرو بکاهد و با تأکید صرف بر نیازهای مادی و لذت‌های دنیوی، پیوسته توجه انسان‌های تحت حکومت خود را به این نوع نیازها مشغول دارد و معلوم است که در چنین حکومتی، موحد بودن در بعد فردی نیز بسی دشوار و مشکل است.

۱۲ ارزشیابی از میزان یادگیری

موارد زیر برای ارزشیابی پیشنهاد می‌شود:

- ۱- توانایی قرائت صحیح آیات
- ۲- توانایی تبیین توحید عملی
- ۳- انجام فعالیت تدبیر در قرآن (۱)
- ۴- توانایی تبیین بُعد فردی و توحید عملی
- ۵- انجام فعالیت تدبیر در قرآن (۲)
- ۶- توانایی تبیین بعد اجتماعی توحید
- ۷- توانایی تبیین ارتباط دو سویه توحید فردی و اجتماعی
- ۸- تبیین بحث توحید و شرک در جهان امروز
- ۹- پاسخ تحلیلی به سؤالات بخش «تحلیل و بررسی»

الف) دانستنی‌های ضروری برای معلم

۱ دیدگاه استاد مطهری درباره توحید عملی : استاد مطهری که توحید عملی را «یگانه شدن انسان در جهت پرستش» تعریف می‌کند، در این باره می‌فرماید : توحید عملی یا توحید در عبادت یعنی یگانه پرستی، به عبارت دیگر : در جهت پرستش حق یگانه شدن. بعداً خواهیم گفت که عبادت از نظر اسلام، مراتب و درجات دارد. روشن‌ترین مراتب عبادت، انجام مراسم تقدیس و تنزیه است که اگر برای غیرخدا واقع شود مستلزم خروج کلی از جرگه توحید و از حوزه اسلام است. ولی از نظر اسلام، پرستش منحصر به این مرتبه نیست؛ هر نوع جهت اتخاذ کردن، ایدئال گرفتن و قبله معنوی قرار دادن، پرستش است. آن کسی که هواهای نفسانی خود را مقصد و قبله معنوی خود قرار بدهد، آن را پرستش کرده است :

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ^۱

آیا دیدی آن کسی را که هوای نفس خود را معبود خویش قرار داده است؟
آن کس که امر و فرمان شخص دیگر را که خدا به اطاعت او فرمان نداده، اطاعت و در برابر آن تسلیم محض باشد او را عبادت کرده است :

إِتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُحَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ^۲

همانا عالمان دینی و زاهدان خود را به جای خدا، خدای خویش ساختند.

وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ^۳

و بعضی از ما انسان‌ها بعضی دیگر را به جای خدای خویش، مطاع و حاکم بر خویش قرار ندهیم.
بنابراین، توحید عملی یا توحید در عبادت یعنی تنها خدا را مطاع و قبله روح و جهت حرکت و ایدئال قرار دادن، و طرد هر مطاع و جهت و قبله و ایدئال دیگر؛ یعنی برای خدا خم و راست شدن، برای خدا قیام کردن، برای خدا خدمت کردن، برای خدا زیستن، برای خدا مردن؛ آن چنان که حضرت ابراهیم گفت :

وَجْهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ^۴

اِنَّ صَلَاتِي وَ سُكُوتِي وَ حَيَاتِي وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لِأَشْرِيكَ لَهُ. وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ.^۵

۱-سوره فرقان، آیه ۴۳

۲-سوره توبه، آیه ۳۱

۳-سوره آل عمران، آیه ۶۴

۴-سوره انعام، آیه ۷۹

۵-سوره انعام، آیات ۱۶۲ و ۱۶۳

این توحید ابراهیمی، توحید عملی اوست. کلمه طیبه «لااله الاالله» بیش از هر چیزی نظر بر توحید عملی است؛ یعنی جز خدا شایسته پرستش نیست.^۱

بعد از این توضیحات، استاد مطهری بحثی را با عنوان «انسان و رسیدن به یگانگی» طرح می‌کند و می‌گوید:

«مسئله به یگانگی رسیدن واقعیت وجودی انسان در یک نظام روانی و در یک جهت انسانی و تکاملی، و همچنین رسیدن جامعه انسانی به یگانگی و یکپارچگی در یک نظام اجتماعی هماهنگ، و متقابلاً مسئله تجزیه شخصیت فردی انسان به قطب‌های مختلف و قطعه قطعه شدن واقعیت وجودی او به بخش‌های ناهماهنگ، و تجزیه جامعه انسانی به «من»ها و به گروه‌ها و طبقات متضاد و متناقض و ناهماهنگ، مسائلی هستند که همواره اندیشه‌ها را به خود معطوف داشته‌اند. چه باید کرد که شخصیت انسان از جنبه روانی و از نظر اجتماعی در یک جهت انسانی و تکاملی به یگانگی و وحدت برسد؟»^۲

ایشان آن‌گاه پاسخ‌های داده شده را در قالب «نظریه ماتریالیستی» و «نظریه ایدئالیستی» طرح می‌کند و مورد نقادی قرار می‌دهد و در پایان، پاسخ خود را به عنوان «نظریه رئالیستی» توضیح می‌دهد و می‌گوید: «اسلام که ظهور کرد، در آن واحد به دو دگرگونی و انقلاب و دو حرکت دست زد. اسلام نگفت [اگر] تبعیض‌ها، بی‌عدالتی‌ها یا مالکیت‌ها را از بین ببرد خود به خود همه چیز درست می‌شود؛ و نگفت درون را اصلاح کنید و به برون کار نداشته باشید؛ [اگر] اخلاق را بسازید اجتماع خود به خود ساخته می‌شود؛ اسلام در آن واحد که ندای توحید روانی و درونی را در پرتو ایمان به خدای متعال و یگانه پرستی ذات یگانه او را سر داد، فریاد توحید اجتماعی را در پرتو جهاد و مبارزه با ناهمواری‌های اجتماعی بلند کرد...»^۳

ایشان پس از تبیین این دو حرکت اسلامی، در پایان می‌گوید:

«از مجموع آنچه گفتیم روشن شد که توحید عملی – اعم از توحید عملی فردی و توحید عملی اجتماعی – عبارت است از یگانه شدن فرد در جهت یگانه پرستی خدا و نفی هرگونه پرستش قبلی از قبیل هوئی پرستی، پول پرستی، جاه پرستی و غیره؛ و یگانه شدن جامعه در جهت یگانه پرستی حق از طریق نفی طاغوت‌ها، تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها. فرد و جامعه تا به یگانگی نرسد به سعادت نائل نمی‌گردد و جز در پرتو حق پرستی به یگانگی نمی‌رسد.

۱- مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۰۵

۲- مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۰۶

۳- همان، ص ۱۱۰

قرآن کریم در آیه ۲۹، سوره مبارکه زمر تفرق و تشتت شخصیت انسان و سرگردانی او و بی‌جهتی او را در نظام شرک و متقابلاً یگانگی و به وحدت رسیدن و یک جهت شدن و در مسیر تکامل واقع شدن او را در نظام توحیدی چنین بیان می‌کند:

صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا.

خدا مثلی می‌آورد، مثل مردی که بنده چند فرد بدخوی ناسازگار است [که هر کدام با خشونت و بدخویی او را به سویی فرمان می‌دهند] و مردی دیگر که [فقط] تسلیم یک فرد است. آیا این دو مانند یکدیگرند؟

انسان در نظام شرک هر لحظه به سویی و به جانب قطبی کشیده می‌شود؛ خسی است بر دریا، موج‌ها هر لحظه او را در جهتی با خود می‌برند؛ اما در نظام توحیدی مانند یک کشتی مجهز به دستگاه‌های راهنمایی است، در یک جهت حرکت منظم و هماهنگ تحت فرمان مقامی خیرخواه^۱

۲ حدیث مشهوری را عنوان بصری از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که راه رسیدن به حقیقت بندگی را آموزش می‌دهد؛ عنوان بصری که بعد از پیمودن مشکلاتی به حضور امام می‌رسد، پس از سؤال و جواب‌های اولیه، می‌پرسد: حقیقت عبودیت کدام است؟

امام علیه السلام فرمود: «سه چیز است:

- ۱- بنده خدا از آنچه خدا به وی سپرده برای خودش ملکیتی نبیند؛ چرا که بندگان مالی ندارند، همه اموال را مال خدا می‌بینند و در جایی که خداوند امرشان کرده که مصرف کنند قرار می‌دهند.
- ۲- و بنده خدا برای خودش مصلحت‌اندیشی و تدبیر نکند، بلکه تدبیر را به او بسپارد.
- ۳- و تمام اشتغال او به کاری منحصر شود که خداوند او را به آن امر کرده و یا از آن نهی نموده است. بنابراین، اگر بنده خدا، در آنچه که خدا به او سپرده، ملکیتی برای خودش نبیند، انفاق نمودن در آنچه خدا امرش کرده بر او آسان می‌شود و چون بنده خدا تدبیر امور خود را به مدیرش بسپارد مصائب و مشکلات دنیا بر وی آسان می‌گردد و زمانی که به آنچه خداوند به وی امر و نهی کرده مشغول شود، دیگر فراغتی برای خودنمایی و فخرفروشی بر مردم نمی‌یابد.

چون خداوند بنده خود را به این سه خصلت گرامی بدارد، دنیا و ابلیس و مردم در نظری ناچیز می‌گردند و به جهت زیاده‌اندوزی و فخر فروشی و مباحثات بر مردم، دنبال دنیا نمی‌رود و برای عزت و بزرگی، آنچه را که در دست مردم است، طلب نمی‌کند و روزگارش را به تباهی از کف نمی‌دهد.

این اولین پله از نردبان تقوا است. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید «آن سرای آخرت است؛ آن را برای کسانی که در زمین اراده برتری جویی ندارند و دنبال فساد نمی‌گردند، قرار دادیم، و سرانجام نیک تنها برای

مردم با تقواست».

عنوان بصری می‌گوید: گفتم: یا ابا عبدالله، مرا سفارش و توصیه‌ای کن.

امام فرمود: تو را به نه چیز سفارش می‌کنم که آنها توصیه‌ام به آرزومندان راه خداوند است و از پروردگار خواهانم تا تو را در انجام آنها موفق نماید. سه مورد آن در تربیت و تأدیب نفس و سه مورد دیگر در صبر و بردباری و سه مورد دیگر در علم و دانش است. پس نگهدارنده این سفارش‌ها باش. مبدا در انجام آنها سستی نمایی.

اما آنچه که تربیت نفس است: ۱- مبدا چیزی را بخوری که بدان اشتها نداری که این حماقت و نادانی را به دنبال دارد. ۲- نخور مگر آن‌گاه که گرسنه شوی. ۳- و چون خواستی بخوری با نام خدا از حلال بخور. و یادآور سخن رسول خدا ﷺ باش که فرمود: «هیچ وقت آدمی ظرفی را بدتر از شکمش پر نکرده است؛ پس اگر ناچار به خوردن شد، یک سوم شکم را برای طعام و یک سوم را برای آب و یک ثلث دیگر را برای تنفس باز گذارد».

«اما سه خلصت صبوری: ۱- اگر کسی گوید: اگر سخنی گویی ده برابر می‌شنوی، تو بگو: اگر ده تا بگویی یک سخن هم شنوی. ۲- اگر کسی تو را دشنام دهد به او بگو: اگر در گفته‌ات راست‌گو باشی از خداوند خواهانم از من درگذرد و اگر دروغ‌گو باشی از خداوند خواهانم از تو درگذرد. ۳- اگر کسی تو را تهدید به ناسزایی کند، تو او را به خیرخواهی و مراعاتش مژده بده...».

(ب) منابع

- ۱- الله‌شناسی، علامه حسینی تهرانی، انتشارات علامه طباطبائی، برای معلم
- ۲- حکمت عبادت، آیت‌الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، برای معلم و دانش‌آموز
- ۳- حکمت نظری و عملی در نهج‌البلاغه، آیت‌الله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، برای معلم و دانش‌آموز
- ۴- جهان‌بینی توحیدی، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، برای معلم و دانش‌آموز

فقط برای تو

درس چهارم

قسمت اول : کلیات

الف) هدف‌ها

۱ هدف کلی : آشنایی با برنامه‌هایی که تقویت‌کننده توحید عملی در فرد و جامعه است و تلاش برای اجرای آنها

۲ هدف‌های آموزشی

- شناخت ارتباط توحید عملی با اخلاص
- تبیین ضرورت اخلاص در بندگی
- تبیین آثار و نتایج توحید عملی و اخلاص
- آشنایی با روش‌های تقویت‌کننده اخلاص در بندگی
- تلاش برای به کارگیری روش‌های تقویت‌کننده اخلاص

ب) ارتباط با درس قبل

ارتباط درس‌های یک کتاب ممکن است دو نوع باشد : ۱- ارتباط موضوعی و منطقی. ۲- ارتباط روشی و برنامه‌ای. ارتباط درس‌های اول تا سوم از نوع ارتباط موضوعی و منطقی بود. در درس اول برهانی بر وجود خدا در درس دوم، مراتب توحید و در درس سوم، توحید عملی طرح گردید. این موضوع‌ها، از لحاظ منطقی با یکدیگر مرتبط‌اند؛ درس سوم تابع درس دوم و آن درس هم تابع درس اول است. اما درس چهارم از نظر روشی و برنامه‌ای با درس سوم ارتباط دارد. حال که دانستیم توحید عملی باید روح حاکم بر زندگی ما باشد، چه کنیم که این حقیقت جامه عمل بپوشد و وجود ما وجودی توحیدی شود. ما در این

درس می‌خواهیم به دانش‌آموزان بیاموزیم که اگر کسی در اندیشه و قلب، توحید عبادی را پذیرفت و فهمید که زندگی او باید تجلی‌گاه توحید عملی باشد، با چه روش‌هایی می‌تواند آن را عملی کند.

ج) محورهای اصلی درس

- ۱) معنای اخلاص و مراتب آن
- ۲) حُسن فاعلی و حُسن فعلی
- ۳) راه‌های تقویت اخلاص
- ۴) آثار و ثمرات بهره‌مندی از اخلاص

قسمت دوم : سازماندهی فعالیت‌های یاددهی — یادگیری

الف) آماده‌سازی و ایجاد انگیزه

روش‌های زیر برای ایجاد انگیزه در این درس پیشنهاد می‌شود :

- ۱) ذکر نمونه‌هایی از زندگی رسول خدا ﷺ، ائمه اطهار علیهم‌السلام و اولیای الهی که در مسیر بندگی و اخلاص قدم زده‌اند. ذکر این نمونه‌ها که بیشتر شامل خاطرات و داستان‌هایی از زندگی آنها می‌شود، انگیزه دانش‌آموزان را تقویت می‌کند و زمینه این سؤال را هم فراهم می‌کند که : «چگونه می‌توان در مسیری که اولیا قدم گذاشته‌اند، قدم گذاشت و به مراتبی از اخلاص و توحید دست یافت؟»
- ۲) استفاده از مناجات‌ها، اشعار و سرودهای مناسب با توحید و یکتاپرستی، مانند سرود «ملکا ذکر تو گویم...»

۳) ذکر خاطره‌های دانش‌آموزی نیز باب ورود مناسبی است. از دانش‌آموزان بخواهیم که کارهایی را که فقط به خاطر خدا انجام داده‌اند، به یاد بیاورند و بیان کنند و حالت خود در هنگام آن عمل را هم توضیح دهند.

ب) مراحل تدریس

این درس باید در ترکیبی از کار گروهی، انفرادی، بیان اخلاقی و عاطفی و شیوه‌های برنامه‌ریزی ارائه گردد. در هر روشی که دبیر محترم انتخاب می‌کند؛ لازم است مراحل زیر نیز مورد توجه قرار گیرد.

ردیف	مراحل تدریس
۱	قرائت صحیح آیات
۲	تبیین رابطه اخلاص و توحید عملی
۳	انجام فعالیت تدبیر در قرآن
۴	تبیین بخش «اخلاص در بندگی»
۵	انجام فعالیت «تفکر در حدیث»
۶	انجام فعالیت «تطبیق»
۷	انجام فعالیت «بررسی»
۸	تبیین بخش «راه‌های تقویت اخلاص»
۹	تبیین بخش «میوه‌های درخت اخلاص»
۱۰	انجام فعالیت «بررسی»

۱ قرائت صحیح آیات

این بخش همچون سایر دروس به مدت ده دقیقه در ابتدای کلاس اجرا می‌شود.

۲ تبیین رابطه اخلاص و توحید عملی

با توضیحات دبیر، دانش‌آموز متوجه می‌شود که اخلاص، نام دیگری برای توحید عملی است. اگر انسان همه ابعاد زندگی خود را از غیر خدا خالص کند و تمام برنامه‌ها، آرمان‌ها، اخلاق و افعال خود را برای خدا کند، در توحید عملی موفق شده است. همچنین باید در ابتدای درس این نکته را بیان کنیم که انسان در میان دو انتخاب قرار دارد و از دانش‌آموزان می‌خواهیم که دو طرف این انتخاب را مشخص کنند.

بندگی خداوند → انسان ← بندگی شیطان

خداوند از ما خواسته است تا بندگی شیطان را نپذیریم و به بندگی خودش درآییم. این را هم تذکر دهیم که در آمدن به بندگی شیطان که در قالب پیروی از هوئی و هوس‌های درونی و اطاعت از طاغوت‌های بیرونی جلوه‌گر می‌شود، یک عمل ناگهانی و حرکت یک‌شبه نیست؛ بلکه به تدریج اتفاق می‌افتد. این هشدار را باید به دانش‌آموزان بدهیم که انسان آهسته آهسته منحرف می‌شود و از مسیر عبودیت خارج می‌گردد. بسیاری از انسان‌ها، دین خدا و بندگی او را در فکر و قول پذیرفته‌اند اما در عمل تابع هوس‌های شیطانی می‌گردند.

این همان نوعی از شرک است که در زندگی بسیاری از انسان‌ها وجود دارد. زندگی آدمی همواره با ناخالصی است. آدمی باید تلاش کند که به خلوص در توحید برسد، هر قدر اخلاص خود را افزایش دهد، اراده او در انجام دستوره‌های الهی و دوری از شیطان بیشتر می‌شود.

۳ انجام فعالیت «تدبر در قرآن»

۱- منظور از قیام گروهی و فردی چیست؟ برای هر کدام نمونه‌هایی ذکر کنید.
یعنی انسان‌ها به صورت فردی یا گروهی برای اجرای دستورات خداوند به پاخیزند و اقدام کنند.
نمونه قیام‌های فردی: اقامه نماز، مطالعه کتب دینی، امر به معروف و نهی از منکر (تذکرات فردی) و...
نمونه قیام‌های گروهی: برپایی نماز جماعت، تشکیل حکومت اسلامی، جهاد، تشکیل گروه‌های خیریه، تشکیل گروه‌های جهادی برای سازندگی در مناطق محروم و...

۲- آیا میان عبارت «آن اعبدونی» و «آن تقوموا لله» رابطه‌ای می‌بینید.

بله، یکی از مصادیق بندگی و پرستش خدا قیام و به پا خاستن برای خداست.

۴ تبیین بخش «اخلاص در بندگی»

علت بیان این مطلب در این بخش این است که دانش آموز گمان نکند که اخلاص تنها کار اولیای الهی و بندگان خاص خداست بلکه اخلاص درجات و مراتب مختلف دارد و هر کس می‌تواند در حد وسع و توان خود از آن بهره‌مند شود و آثار و برکات آن را در زندگی خود مشاهده کند. البته هر چه بیشتر در جهت خالص شدن خویش تلاش کنیم به مراتب بالاتر اخلاص نایل خواهیم شد.

توجه به این نکته لازم است که هر عملی از دو جزء تشکیل شده: ۱- نیت و قصد درونی عمل‌کننده، ۲- شکل ظاهری و عملی که از عمل‌کننده سر می‌زند. عمل خیری که شکل ظاهری آن خیر است، از نظر نیت و قصد درونی عمل‌کننده می‌تواند سه حالت داشته باشد:

۱- کاملاً و از هر جهت برای خدا و به خاطر فرمان او و رضایت او باشد.

۲- کاملاً برای یک هدف دنیایی و رسیدن به یک منفعت دنیایی او باشد.

۳- عمل برای اطاعت از خداوند شروع شود، اما نیت دنیایی و منافع دنیایی هم در این میان وارد شود (شرک خفی).

از آنجا که نیت و قصد درونی در انسان عاملی است که موجب حرکت ارادی انسان برای انجام کاری می‌شود، آن را فاعل فعل می‌نامند و وقتی این نیت خالص و برای خدا باشد، می‌گویند این فعل دارای «حسن فاعلی» است. پس توجه داشته باشیم که وقتی می‌گویند «این کار حسن فاعلی دارد»، منظور از فاعل آن، نیت و قصد است، نه فرد عمل‌کننده. چرا که هم نیت و هم فعل، هر دو فعل یک انسان است و هر دو از انسان سر می‌زند و فاعلشان آن انسان عمل‌کننده است.

نکته مهم: نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است، ترسیم رابطه نیت و قصد درونی با عمل است. عمل هر فرد، ظهور و تجلی نیت است و به تعبیر دیگر ظاهر هر انسانی که همان اعمال ظاهری او (مانند انتخاب لباس، غذا، کار و...) و رفتار او را (مانند دوستی با این، دشمنی با آن، این صحبت را کردن، آن کالا را خریدن و...) تشکیل می‌دهد، تجلی باطن او و نیت باطنی اوست. «از کوزه برون همان تراود که در اوست».

پس معقول نیست که کسی بگوید: «مهم آن است که باطن و درون انسان پاک باشد، ظاهر اهمیتی ندارد و نباید این قدر ظاهر را ملاک قرار داد».

۵ انجام فعالیت «تفکر در حدیث»

امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

فَاعِلُ الْخَيْرِ، خَيْرٌ مِنْهُ؛ وَ فَاعِلُ الشَّرِّ، شَرٌّ مِنْهُ.

در این سخن حکیمانه تفکر کنید و رابطه آن را با اخلاص توضیح دهید.

این فرمایش امام علی علیه السلام بر این نکته تأکید دارد که انجام‌دهنده کار خیر، از آن عمل خیر برتر است و انجام‌دهنده کار شر از عملش بدتر و پست‌تر است.

اما رابطه این سخن با موضوع اخلاص این است که از آنجا که هر کار خیری برآمده از نیت خالصانه فاعل آن است، پس می‌توان گفت که در حقیقت این نیت خالصانه فرد است که به کارش ارزش داده است، پس جایگاه خود فرد نیکوکار از عملش برتر است. به عبارت دیگر این باور و نیت خالصانه آن فرد است که باعث می‌شود کار خیر انجام شود.

در نقطه مقابل نیز باید گفت از آنجا که عمل شر برآمده از نیت ناسالم و افکار و باورهای غیر خدایی فرد است پس فرد شرور بدتر و پست‌تر از عملش است. زیرا اگر این افکار و نیت ناسالم نبود، این عمل شر هم صورت نمی‌گرفت.

۶ انجام فعالیت «تطبیق»

با توجه به تعریف بالا از حُسن فاعلی و حُسن فعلی، موارد زیر را بررسی کنید:

۱ آیا ممکن است عملی دارای حُسن فعلی باشد، اما حُسن فاعلی نداشته باشد؟ و یا برعکس، حُسن

فعلی نداشته باشد ولی دارای حُسن فاعلی باشد؟ مثال بزنید.

بله، اعمالی هستند که حسن فعلی دارند مثلاً فردی که مدرسه‌ای می‌سازد، عملش حسن فعلی دارد، اما ممکن است همین عمل حسن فاعلی نداشته باشد. یعنی فرد این کار را برای خودنمایی و شهرت انجام داده

باشد؛ پس ساخت مدرسه اگرچه حسن فعلی دارد اما حسن فاعلی ندارد.

از سوی دیگر ممکن است عملی حسن فاعلی داشته باشد اما حسن فعلی نداشته باشد. مثلاً کسی برای رضای خدا می‌خواهد بین دو نفر که اختلاف پیدا کرده و سر مسئله‌ای دعوا دارند، داوری کند. اما به دلیل جهل و ناآگاهی در داوری و قضاوت، خود به خطا می‌رود و فرد بی‌گناه را گناه کار معرفی می‌کند.

طرح یک مسئله: ممکن است دانش‌آموزی بگوید، دوستی دارم که واقعاً خدا را قبول دارد و همیشه در کارهایش به دنبال انجام کار برای خداست، و با همین نیت خیر، اقدام به دوستی با دختری کرده است و می‌گوید هدفش کمک کردن به این دختر است، زیرا وی خانواده خوبی ندارد و از این رو تنها و بی‌پشتیبان است. حال سؤال دانش‌آموز این است که برخلاف آنچه کتاب گفته، حسن فاعلی، همیشه حسن فعلی را به دنبال ندارد!

در پاسخ به این سؤال باید مسئله را باز کنیم و بگوییم برای رفتار این دوست شما دو حالت قابل فرض است:

۱- دوست شما نمی‌داند این کارها سبب رنجش خدا و ناراحتی او می‌شود و اگر بداند، دیگر مرتکب آن کارها نخواهد شد.

بنابراین، در این حالت، دوست شما قصد و نیت سوئی نداشته و آنچه مانع حسن فعلی شده، جهل و عدم آگاهی است، نه سوءنیت. او از روی ناآگاهی فکر کرده که حقیقتاً این کار خوب است و خدا هم از آن رضایت دارد و در نتیجه، آن را انجام داده است. چنین شخصی را باید آموزش داد. و به حقیقت آگاه کرد تا دیگر مرتکب آن نشود.

پس بحث ما در حُسن فاعلی و فعلی و رابطه میان آن دو مربوط به مواردی است که کارها آگاهانه و عاقلانه انجام شود. محل بحث ما از آنجایی است که شخص کاری از روی آگاهی و اراده و اختیار انجام دهد.

۲- دوست شما می‌داند که این کارها سبب رنجش و ناراحتی خدا می‌شود و در عین حال هم انجام می‌دهد.

بنابر سؤال و جواب قبل، این فرد میان محبت خود به خدا و محبت به هوی و هوس شیطان گرفتار شده و رضایت هوی و هوس را بر رضایت خدا ترجیح داده است. او باید خود را از این تناقض نجات دهد و کار را با خدا و به نفع رضایت خدا یکسره کند و آلاً به تدریج محبت هوی و هوس چنان قلب او را پر خواهد کرد که خدا را به کلی فراموش خواهد نمود.

۲ اگر فردی تنها برای لاغر شدن و یا سلامت جسم روزه بگیرد، روزه اش صحیح است؟

خیر، در انجام اعمال عبادی حتماً باید آن کار را به نیت قرب الهی و عمل به دستور خداوند انجام دهیم.

اگر کسی فقط به نیت سلامتی روزه بگیرد، روزه‌اش باطل است. انسان مؤمن روزه را برای عمل به فرمان خدا می‌گیرد و البته می‌داند که روزه برای سلامتی‌اش مفید است، اما نیت وی از روزه کسب سلامتی نیست بلکه اطاعت از فرمان خداست. از این رو اگر مثلاً کسی از ترس پدر و مادرش نماز بخواند، نمازش باطل است. این مسئله شامل همه فرامین و دستورات الهی می‌شود.

۳ اگر کسی به نیت شرکت در نماز جماعت مسجد از منزل بیرون بیاید و به دلیل مانعی نتواند به مسجد برسد، آیا نزد خدا، پاداش دارد؟ به چه دلیلی؟

بله، قطعاً پاداشی که او می‌برد به اندازه پاداش حضور وی در نماز جماعت است. دلیل آن این است که وی نیت حضور در نماز جماعت را داشته و از آنجا که طبق فرموده پیامبر، نیت مؤمن از عمل او برتر است، پس او به دلیل نیتی که داشته پاداش نماز جماعت را برده است. در این کار حسن فاعلی وجود دارد.

۷ انجام فعالیت «بررسی»

با توجه به اینکه ریا در مقابل اخلاص قرار می‌گیرد، بررسی کنید که هر یک از موارد زیر مصداق ریا قرار می‌گیرد یا مصداق اخلاص؟

۱- حضور در نماز جماعت: این مسئله دو وجه دارد. اگر نیت فرد از حضور در نماز جماعت، جلب رضای الهی و قرب به خدا باشد، نماز او مصداق اخلاص است. اما اگر به قصد موجه جلوه دادن خود و ظاهرسازی باشد، مصداق ریا است.

۲- کمک به افراد نیازمند در حضور دیگران؛ اگر فرد به قصد جلب رضایت الهی به دیگران کمک کند، این کار مصداق اخلاص است و حتی علنی کردن کمک به دیگران لطمه‌ای به پاداش وی نمی‌زند، حتی اگر این علنی کمک کردن موجب تشویق و ترغیب دیگران به کمک به فرد نیازمند شود، بهتر هم هست. اما اگر فرد به قصد خودنمایی در حضور دیگران کمک کند، مصداق ریا است.

۸ تبیین بخش «راه‌های تقویت اخلاص»

راه اول: افزایش معرفت نسبت به خدا: هر قدر معرفت ما نسبت به موضوعی افزایش یابد، تعلق قلبی ما هم نسبت به آن تقویت می‌شود. ما می‌توانیم در این مورد به دانش‌آموزان برنامه بدهیم و از آنان بخواهیم که بخشی از زمان خود را به مطالعه در این مورد اختصاص دهند. کتاب‌ها یا فیلم‌هایی درباره آیات آفاقی و انفسی خداوند، نظم و علم حاکم بر جهان و صفات الهی وجود دارد که می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند. در این قسمت یک نکته مهم تذکر داده شده است. نکته‌ای که عدم توجه به آن باعث تشکیل گروه‌های افراطی و تندرو در جهان اسلام شده است. ناآگاهی و جهالت برخی مسلمانان باعث شده است که امروزه عده‌ای با سوءاستفاده از این جهالت، افراد متعصب و ناآگاه را به جای مبارزه با دشمنان اصلی مسلمین،

به سمت مبارزه با خود مسلمانان بپرند. این افراد جاهل، به گمان خود در حال جهاد در راه خدا هستند اما اگر قدری معرفت نسبت به دین خود داشتند، متوجه می‌شدند، جهادی که در اسلام از آن نام برده شده، جهاد با کفار و قدرتهای استبدادی است که سعی در گمراهی و غارت مسلمانان دارند، نه جهاد با برادران دینی خود.

راه دوم: راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او: برنامه سوم، راز و نیاز با خداوند است. نشان دادن متن‌های زیبای ادبی که مناجات‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و بزرگان معرفت را در بردارد و نیز اشعار شاعران که راز و نیاز با خداوند را در بردارد، می‌تواند انگیزه دانش‌آموزان را در انجام این برنامه افزایش دهد. نمونه‌هایی از این راز و نیازها در بخش دانستنی‌های ضروری خواهد آمد.

راه سوم: دوری از گناه و تلاش برای انجام واجبات: اگر کسی برای خودش برنامه‌ای داشته باشد و تلاش کند آنچه را خداوند امر کرده انجام دهد و از آنچه نهی کرده دوری کند و اگر مرتکب خطایی شد آن را جبران کرده و به سوی حق بازگشت نماید، به تدریج حضور خداوند را در زندگی خود تقویت می‌کند و اخلاص خود را بیشتر می‌نماید.

۹ تبیین بخش «میوه‌های درخت اخلاص»

معمولاً این سؤال در ذهن جوانان است که برای چه خدا را خالصانه بندگی کنیم؟ چرا او عبادت خالصانه خود را از ما خواسته است؟ مگر او به عبادت ما احتیاج دارد؟

همان‌طور که در دین و زندگی (۱) توضیح داده شد، فرمان‌های خداوند، همه برای انسان و به‌خاطر اوست؛ زیرا خداوند می‌داند که چگونه استعدادهای ما به فعلیت می‌رسد و از چه طریقی ما می‌توانیم به کمال‌ها و زیبایی‌ها دست یابیم، این چگونگی و طریق را او به ما نشان می‌دهد. روشن است که اگر راهنمایی خداوند را نادیده بگیریم به ثمرات آن هم نمی‌رسیم.

نشان دادن ثمرات بندگی به دانش‌آموزان، انگیزه آنان را در اطاعت از خداوند افزایش می‌دهد و رسیدن به اهداف عاطفی درس را تسهیل می‌سازد.

ثمراتی که برای اخلاص در کتاب آمده، عبارت‌اند از:

□ میوه اول: دستیابی به درجاتی از حکمت

□ میوه دوم: نفوذ ناپذیری در برابر وسوسه‌های شیطان

عدم نفوذ شیطان در انسان و مأیوس شدن او از انسان مخلص یکی از ثمرات اخلاص است. البته، اخلاص مانند هر ملکه اخلاقی دیگر مراتب دارد و انسان با تلاش و جهاد با نفس به تدریج به مراتب عالی آن دست می‌یابد و نفوذ شیطان هم به همین ترتیب کم می‌شود تا آنجا که دیگر شیطان از فرد با اخلاص مأیوس می‌شود و او را نفوذناپذیر می‌یابد.

۱۰ انجام فعالیت «بررسی»

قبل از پاسخ به پرسش این فعالیت، لازم است همکاران به این نکته توجه کنند که :
در قرآن کریم، هم اصطلاح «مخلص» به کار رفته و هم «مخلص». در آیه ۲ سوره زمر، عبارت «... مخلصاً لئالذین» آمده و در آیه ۲۴ سوره یوسف، عبارت، «انّه من عبادنا المخلصین» به کار رفته که حاکی از مقام حضرت یوسف علیه السلام است. انسان «مخلص»، انسانی است که مراتب اولیه اخلاص را طی می کند و در حال خالص کردن خود برای خداست. انسان «مخلص»، انسانی است که از این مراتب اولیه گذشته و اکنون خداوند او را خالص برای خود برگزیده است. کسی که به این مرتبه از اخلاص برسد. از نفوذ شیطان مصون می ماند و شیطان نمی تواند او را وسوسه کند و بلغزاند.
با توجه به آیات ۳۲ و ۳۳ سوره یوسف، دانش آموزان ماجرای هوس زلیخا را که دام شیطان برای گمراهی حضرت یوسف بود، بیان می کنند و توجه و درخواست حضرت یوسف از خداوند و پناه بردن به سوی او را عامل نجات حضرت یوسف علیه السلام از این توطئه بیان می کنند.

قسمت سوم : تمهیدات

الف) دانستنی های ضروری برای معلم

۱ نمونه ای از اخلاص در ایمان امام خمینی علیه السلام از زبان استاد مطهری :

استاد مطهری چند روز قبل از انقلاب برای ملاقات امام به پاریس می رود و پس از بازگشت، در یک سخنرانی چنین می گوید : «من قریب دوازده سال خدمت این مرد بزرگ تحصیل کرده ام، باز وقتی در سفر اخیر به پاریس، به ملاقات و زیارت ایشان رفتم، چیزهایی از روحیه او درک کردم که نه فقط بر حیرت من، بلکه بر ایمانم نیز اضافه کرد. وقتی برگشتم، دوستانم پرسیدند : چه دیدی؟
«گفتم چهار تا «آمین» دیدم؛ «آمینُ بَهْدَفِهِ» به هدفش ایمان دارد. دنیا اگر جمع شود نمی تواند او را از هدفش منصرف کند. «آمینُ بِسَبِيلِهِ» به راهی که انتخاب کرده، ایمان دارد. امکان ندارد بتوان او را از این راه منصرف کرد. شبیه همان ایمانی که پیغمبر به هدفش و راهش داشت. «آمینُ بِقَوْلِهِ» (به آنچه می گوید ایمان دارد) ... و بالاخره بالاتر از همه، «آمینُ بِرَبِّهِ» (به پروردگارش ایمان دارد). در یک جلسه خصوصی ایشان به من می گفت : فلانی این ما نیستیم که چنین می کنیم، من دست خدا را به وضوح می بینم.»^۱

۲ جمله ها و نمونه هایی از راز و نیازها

□ مناجات های خمس عشره از مناجات های عرفانی و زیبای امام سجاد علیه السلام است که در کتاب

«مفاتیح الجنان» آمده و نیازی به آوردن آنها نیست. خوب است که یکی از این مناجات‌ها را انتخاب کنید و ترجمه آن را برای دانش‌آموزان بخوانید.

□ ابتدای کتاب گلستان سعدی، مناجات زیبایی است که اهل ادب معمولاً آن را در خاطر دارند. قسمتی از آن را در اینجا می‌آوریم:

«مَنْتَ خدای را عَزَّوَجَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفترَح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

از دست و زبان که برآید	کز عهدهٔ شکرش به درآید
إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِی الشُّكُورِ	
بنده همان به که ز تقصیر خویش	عذر به درگاه خدا آورد
ورنه سزاوار خداوندیش	کس نتواند که به جا آورد

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده؛ پردهٔ ناموس بندگان را به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی خواران را خطای منکر نبرد.

ای کریمی که از خزانهٔ غیب	گیر و ترسا وظیفه خور داری
دوستان را کجا کنی محروم	تو که با دشمنان نظر داری» ^۱

□ نوشته‌های عاشقانه‌ای از شهید دکتر چمران:

«ای درد اگر تو نمایندهٔ خدایی که برای آزمایش من قدم به زمین گذاشته‌ای، تو را می‌پرستم، تو را در آغوش می‌کشم و هیچ‌گاه شکوه نمی‌کنم.

بگذار بند بندم از همه بگسلد، هستی‌ام در آتش درد بسوزد و خاکسترم به باد سپرده شود؛ باز هم صبر می‌کنم و خدای بزرگ را عاشقانه می‌پرستم.

ای خدا، این آزمایش‌های دردناکی که فرا راه من قرار داده‌ای، این شکنجه‌های کشنده‌ای را که بر من روا داشته‌ای، همه را می‌پذیرم.

خدایا، با غم و درد انس گرفته‌ام. آتش بر من سلامت شده و شکست و ناملایمات عادی گشته است. خدایا کودک که بودم از بلندی آسمان و ستارگان درخشنده‌اش لذت می‌بردم، اما امروز از آسمان لذت می‌برم زیرا بدون آن خفه می‌شوم؛ زیرا اگر وسعت و عظمت آن از شدت درد روحیم نگاهد دیگر خفه می‌شوم.»^۲

۱- گلستان سعدی

۲- خدا بود و دیگر هیچ نبود، شهید دکتر چمران، ص ۵۴.

□ نمونه‌ای از مناجات نظامی که در مقدمهٔ لیلی و مجنون آمده است.

ای نام تو بهترین سرآغاز	بی نام تو نامه کی کنم باز
ای یاد تو مونس روانم	جز نام تو نیست بر زبانم
ای کارگشای هرچه هستند	نام تو کلید هرچه بستند
ای هست کن اساس هستی	کوته ز درت دراز دستی
ای واهب عقل و باعث جان	باحکم تو هست و نیست یکسان
ای مقصد همت بلندان	مقصود دل نیازمندان
ای بر ورق تو درس ایام	ز آغاز رسیده تا به انجام
در عالم عالم آفریدن	به زین نتوان رقم کشیدن
همه قصهٔ نانموده دانی	هم نامه نانوشته خوانی
یک ذره زکیمیای اخلاص	گر بر من من زنی شوم خاص
آنجا که دهی زلف یک تاب	زرگردد خاک و دُر شود آب
هم تو به عنایت الهی	آنجا قدم رسان که خواهی
از ظلمت خود رهایم ده	با نور خود آشنایم ده

(ب) منابع

- ۱ منابع درس‌های قبل
- ۲ خدا بود و دیگر هیچ نبود، شهید دکتر چمران، بنیاد شهید چمران، برای دانش‌آموز
- ۳ دیوان‌های شاعران بزرگ، از جمله حافظ، سعدی، عطار، فردوسی و نظامی